

محدودیت های عدالت: به چالش کشیدن سمنتیک معادله عدالت قانونی براساس پارادایم های غالب

محمدتقی خوبرو*

چکیده

بحران هویت عدالت قانونی از آن منظر است که به صورت تئوری و عملی، معادله عدالت قانونی پوزیتیویسم، به عنوان نقشه راه برخورد با مجرم برگزیده شود، و از ورود سایر اندیشه ها و رشته های علمی غیر تجربی و نیز مکتبی ممانعت به عمل آید. در صورتیکه بنیادهای فلسفی و روش شناسانه متفاوت به قانونگذاری به صورت تئوریک، عملی و ارزشی مدنظر قرارگیرد می تواند از قانون راز زدایی کند و از کج فهمی ها و کج روی ها جلوگیری به عمل آورد. فلذا الزام به بررسی گفتمان هایی همچون انتقادی، رئالیستی و باز اندیشی غنای باورهای اسلامی در عدالت و از طرفی تقابل معنایی (سمنتیک) آنها، زمینه را برای عدالت در قانونگذاری و برابری یکسان در برابر قانون، باز می کند. بنابراین هدف ما نیز در این پژوهش آن است که مبانی فلسفی عدالت قانونی از منظر پارادایم های غالب، بررسی و نشان دهیم که اگر صرفاً نگاه تجربی را برگزینیم "عدالت به صورت ناقص" در ابعاد جامعه اعمال می شود.

کلیدواژه: عدالت قانونی، مبانی فلسفی، تقابل معنایی، پارادایم های غالب،

مقدمه:

هدف نهایی هریک از پارادایم ها و گفتمان های فلسفی جهت بررسی عدالت قانونی براساس هستی شناسی، شناخت شناسی، روش شناسی و غیره، آن است که از قانون راز زدایی کنند و از عملیات آن به مثابه یک قانون در عمل، پرده برداری کنند، به عبارتی سطح مکانیزم های تولید آن جرم و تولید حقوق کیفری و عدالت محوری برای آن را بررسی کرده تا در دام افراد سود جو، دام مغالطات، دام ظاهرنگری و یا دام بی اعتباری دانش قرار نگرفته و حتی بتوانیم از قبل از بروز آن واقعه، از آن جرم پیشگیری کرده و در نهایت زمینه عدالت برای برخورد با آن را شناسایی نماید.